

علمی-پژوهشی
فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر
سال هشتم، شماره اول، پیاپی (۲۴)، بهار ۱۳۹۳
تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۶
صص ۲۷۲ - ۲۵۵

بررسی علل اجتماعی بروز فرار دختران از منزل (مطالعه موردی شهرستان اردبیل)

نسرین خدابخش هفشجانی^{۱*}، حسین علیپور^۲، التفات وظیفه دمیرچی^۳، حمدالله نادری^۴

چکیده

پدیده فرار از خانه از مقوله‌های جدی در حوزه آسیب‌های اجتماعی تلقی می‌شود که مهار و ترمیم آن نیازمند یک معماری مناسب اجتماعی است، لذا پردازش آسیبی از این نوع (دختران و زنان آسیب دیده) مستلزم شناسایی تاروپود ناسازگاری‌های اجتماعی است. به همین دلیل، هدف اصلی این مطالعه، بررسی علل اجتماعی مرتبط با فرار دختران از خانه با تاکید بر مقایسه دختران فراری و عادی بوده است. پژوهش حاضر به روش مطالعه موردی و از نوع علی - مقایسه ای بوده است. نمونه پژوهش شامل ۳۳ نفر دختر فراری و ۳۳ نفر دختر عادی به روش

۱- عضو هیأت علمی گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال (نویسنده مسئول) n.kho23@gmail.com

۲- استادیار مهندسی صنایع غذایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال

۳- مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان اردبیل و دانشجوی دکترای مدیریت vazifeh_48@yahoo.com

۴- محقق اجتماعی و کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه تبریز

نمونه گیری در دسترس بوده که از نظر سن با هم هم‌تا شده بودند از طریق پرسشنامه خودساخته محقق و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 17 مورد بررسی قرار گرفتند. مقایسه دختران فراری و عادی نشان دهنده تفاوت معنادار براساس سابقه آزار دیدن در دوران کودکی، وجود مشکلات اقتصادی در خانواده، فقدان آستانه تحمل در کنار پایین بودن سطح تحصیلات فرد و والدین است.

واژه‌های کلیدی: فرار از خانه، دختران فراری، عوامل اجتماعی، اردبیل.

مقدمه

فرار از منزل از عمده ترین معضلاتی تلقی می‌شود که اکثر آسیب شناسان از آن به عنوان یک مسأله حاد اجتماعی یاد کرده و چنین اظهار نظر کرده اند که، فرار دختران از خانه برای جامعه ایرانی به ظاهر یک مسأله فردی و در نهایت مختص یک خانواده تلقی می‌شود، در حالی که با توجه به پیامدهای منفی نابهنجار و خطرناکش بیشتر یک مسأله و از آن مهم‌تر آسیب اجتماعی به حساب می‌آید (نادری، ۱۳۸۶: ۵) که برخی از دختران در شرایط بحرانی و غیرقابل تحمل به آن مبادرت می‌ورزند و این امر، در حال حاضر نه تنها در کشور ما (ایران) بلکه در اکثر کشورهای جهان فرار از خانه^۱ به یک معضل جدی تبدیل شده است به طوری که هر ساله بیش از یک میلیون جوان زیر ۱۸ سال از خانه فرار می‌کنند و یک میلیون نفر هم خانه را ترک کرده و یا از خانه بیرون رانده می‌شوند در ایران نیز این مسأله، براساس هنجارها و ارزش‌های دینی، خانوادگی و اجتماعی از آسیب‌های اجتماعی تلقی می‌شود (جوادی یگانه، ۱۳۸۴: ۱).

دختران فراری، دخترانی هستند که به دلایل گوناگون مانند نابسامانی‌های خانوادگی و اعتقاد به اینکه در خانواده به آنها بی‌توجهی شده است، یا تحت تأثیر سازوکارهای روانی و ذهنی برای رسیدن به امنیت روانی و رهایی از سلطه والدین و فقر و غیره دست به فرار از خانه می‌زنند (فرجاد، ۱۳۸۸: ۲۰۵-۲۰۶).

تهدید سلامت اخلاقی و بهداشت روانی جامعه از پیامدهای اجتماعی فرار دختران می‌باشد

که در کنار آن، وضعیت ناامن و مغشوش خانواده، اختلاف بین والدین، رفتار خشونت آمیز والدین از جمله علل خانوادگی موثر در فرار دختران است که جوان را دچار ناامنی کرده و به کناره گیری از دیگران و به ویژه پدر و مادر می کشاند همچنین دخترانی که در دوران کودکی آزار و اذیت دیده اند نسبت به کسانی که اصلاً مورد اذیت قرار نگرفته اند بطور متوسط دو برابر بیشتر مرتکب بزه می شوند از اینرو، نوع خانواده، سوء استفاده و بد رفتاری در دوران کودکی تأثیر مستقیم در بزهکار شدن و فرار فرد دارد (هیک و والش، ۲۰۰۰: ۱۷۸) کساواکی و همکارانش نیز به تأثیر عوامل اقتصادی، محرومیت مالی و پایین بودن سطح درآمد در وقوع رفتارهای بزهکارانه اشاره کرده و نقش موقعیت اجتماعی را در وقوع بزه و جرم مؤثر می دانند. پدیده فرار اگرچه یک اقدام فردی بشمار می آید، ولی پیامدها و عواقب آن گریبانگیر خانواده و اجتماع پیرامون نیز می شود. بزرگترین نگرانی درباره نوجوانان و جوانان فراری و بی خانمان، خطر افزایش عفونت HIV است که دلیل آن شیوع بالای مصرف مواد مخدر تزریقی و رفتارهای جنسی پرخطر در نوجوانان و جوانان فراری و خیابانی است، اکثریت این افراد متواری، فعالیت جنسی را برای کسب غذا، پناهگاه یا پیدا کردن امنیت انجام می دهند و یکی از عوامل درگیری توسط این افراد در رفتارهای انحرافی همین عامل می باشد (یتس و همکاران، ۱۹۹۱: ۵۵۶-۵۵۷).

محیط نامناسب خانه و عدم تناسب فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی والدین و شیوه های تربیتی متفاوت آنها با همدیگر و دستورات ضد و نقیضی که به بچه ها داده می شود، نوجوانان را دچار تضاد کرده و باعث می شوند تا جنسیت دختر بهترین راه حل برای خلاصی از این محیط را در فرار ببینند. ناپایداری خانوادگی و وجود مشکلات خانوادگی، جدایی و طلاق والدین، مشکلات ارتباطی در محیط خانواده، وجود عامل خشونت در خانه، سابقه مصرف مواد مخدر، ضعف روحی و تقلیل سطح عزت نفس در افراد متواری تحت تاثیر عوامل مذکور (شاره و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳۰-۲۲۸)، وجود نامادری یا ناپدیری، ناسازگاری و تشنج در خانواده، اعتیاد و فقر، مشکلات مالی، سوء استفاده های جسمی و جنسی، فقدان محبت و روابط صمیمی در محیط خانه، کثرت اولاد و عائله، ازدواج های زودرس، مورد حمایت قرار نگرفتن، بی توجهی و عدم نظارت والدین روی فرزندان در کنار کنترل افراطی (طهرانی زاده و دیگران، ۱۳۸۴:

(۲۰۷) از عوامل تشدید کننده فرار از خانه است.

با این اوصاف، فرار از خانه می تواند واکنشی در برابر شرایط آشفته خانواده و اعتراض به بی عدالتی ها در درون خانواده و مدرسه باشد یا رفتاری حاکی از ترس، یاس، خشم، انتقام جویی از بزرگترها و یا رفتاری به تقلید از رفتارهای فرهنگ های دیگر که با اشکال متفاوت از طریق رسانه های جمعی یا سفر و... جاذبه های خود را عرضه می کند. در حال حاضر فرار دختران از منزل با توجه به هنجارها و ارزش های اخلاقی و رفتاری حاکم بر فرهنگ و خانواده های ایرانی بازتاب نامطلوب و نگران کننده ای داشته است بررسی مساله فرار دختران از منزل و برنامه ریزی در جهت نظارت و تقلیل عوامل تشدید کننده آن می تواند جامعه را در رسیدن به انتظام اجتماعی و کانالیزه نمودن نسل جوان در جهت برقراری روابط سالم اجتماعی و هنجارمند مثمرتر باشد. با توجه به مطالب مطروحه، پرسش های عمده مطالعه حاضر به این صورت مطرح می شود که:

الف) چرا عمل فرار از خانه اتفاق می افتد و علل فرار دختران از منزل کدامها هستند؟

ب) چه تفاوتی بین دختران فراری و عادی از نقطه نظر اجتماعی وجود دارد؟

پ) مهمترین علت فرار و شرایط زمینه ساز آن کدامین است؟

چارچوب نظری

تعریف فرار از خانه و انواع آن

فرار از خانه و اقدام به دوری و عدم بازگشت به منزل و ترک اعضای خانواده، بدون اجازه از والدین یا وصی قانونی خود، در واقع نوعی واکنش نسبت به شرایطی است که از نظر فرد نامساعد، غیرقابل تحمل و بعضاً تغییر ناپذیر است. این عمل معمولاً به عنوان یک مکانیسم دفاعی به منظور کاهش ناخوشایندی و خلاصی از محرکهای آزار دهنده و مضر و دستیابی به خواسته های مورد نظر و عموماً آرزوهای دور و دراز انجام می شود (مجیبی، ۱۳۸۱: ۶۰).

برای طبقه بندی فرار دختران از منزل می توان به این صورت تقسیم بندی ها را انجام داد:

۱) فرار دختران بر حسب گروه سنی: اکثراً فرار در بین گروه سنی ۱۰ تا ۳۰ سال اتفاق

افتاده است؛

- ۲) فرار دختران از نظر اطلاع خانواده: در اکثر موارد اقدام به فرار به طور ناگهانی، بدون خبر و اطلاع اعضای خانواده صورت می‌گیرد، اما در برخی شرایط، فرد قصد خود را به صورت «تهدید به فرار» اطلاع می‌دهد. این عمل اغلب در بین پسران فراری معمول است؛
- ۳) فرار دختران از نظر همراهان: در شرایطی ممکن است که اقدام به فرار به همراهی فردی از جنس مخالف با زمینه دوستی و قرار ملاقات انجام شود. اخیراً مواردی از فرارهای گروهی در بین دختران مشاهده شده است. اما اغلب، دختران به تنهایی فرار می‌کنند؛
- ۴) فرار دختران از نظر محل فرار: اغلب فرارها از شهرستانها به مرکز یا شهرهای بزرگ انجام می‌شود، هر چند مبدأ و مقصد معدودی از فرارها نیز بالعکس می‌باشد و گاهی نیز از شهرهای کوچک و بزرگ به قصد عزیمت به کشورهای دیگر اتفاق می‌افتد؛
- ۵) فرار دختران از نظر دفعات فرار: برخی از دختران برای نخستین بار اقدام به فرار می‌کنند و دسته‌ای دیگر علیرغم تلاش‌های مددکاران جهت بازگشت به محیط خانه و خانواده، مجدداً از محیط خانه می‌گریزند (نادری، ۱۳۸۶: ۱۲).

مبانی نظری تحقیق

با توجه به پیچیده بودن پدیده فرار از خانه و الگوهای تعاملی عوامل خانوادگی، شخصیتی و اجتماعی در کنار عوامل اقتصادی مطالعات انجام شده در زمینه فرار دختران را بر پایه‌های نظری زیر استوار کرده است.

از نظر دورکیم جامعه آنومیک جامعه ای است که قواعد رفتاری (هنجار) از بین رفته یا در طول تغییرات سریع اجتماعی یا بحران‌های اجتماعی مثل جنگ و قحطی به خوبی عمل نکند که در اینصورت، این جامعه ناتوان از کنترل آرزوها و تقاضاهای افراد است جامعه آنومیک نمی‌تواند بر آرزوها و خواسته‌های افراد کنترل داشته باشد بنابراین در این شرایط اطاعت از کدهای قانونی محدود شده و رفتارهای جایگزین آنها انتخاب می‌شود.

مرتن نیز نوع اصلاح شده مفهوم آنومی را متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی آمریکا به کار می‌برد و چنین اذعان می‌دارد که، دو عنصر تعامل فرهنگی به طور بالقوه شرایط جامعه آنومیک را ایجاد می‌کنند: ۱) تعاریف فرهنگی ۲) اهداف و ابزارهایی که به لحاظ اجتماعی

رسیدن به آنها مورد قبول واقع شده و زمانیکه تعادل بین این دو بهم بخورد جرم رخ می دهد. مرتن هرگونه تبیین فردگرایانه و روان‌شناختی را در مورد مسأله انحراف مردود می‌شمارد و آن را متأثر از ساخت جامعه می‌داند و شرایط ساختی را عامل اصلی انحرافات به شمار می‌آورد. وی یکی از عناصر اصلی ساخت جامعه را فراهم نمودن شیوه‌های استاندارد شده‌ی کنش، یعنی همان ابزارها و هنجارها برای نیل به اهداف می‌داند و عنصر اصلی دیگر را اهداف و ارزش‌های مورد قبول و پذیرفته شده جامعه می‌داند. او در صورتی یک نظام اجتماعی را «متعادل» می‌داند که بین این دو عنصر اصلی، تناسبی وجود داشته باشد، یعنی افراد جامعه بتوانند از طریق ابزارها و وسائل و راه‌های مشروع جامعه، به اهداف پذیرفته شده آن جامعه دست یازند که این شیوه را «همنوایی» گویند. اما در صورتی که چنین تناسبی بین اهداف و وسائل دست‌یابی به آن وجود نداشته باشد و عده‌ای از افراد جامعه نتوانند از طریق آن ابزارهای مورد قبول جامعه، به هدف‌های پذیرفته شده جامعه برسند، احساس عدم رضایت می‌کنند و از اینرو، تلاش می‌نمایند تا راه‌های نامشروع و غیر قابل قبول جامعه (یعنی همان شیوه‌های انحرافی مانند فرار از خانه و پناه‌بردن به دامن شکارچیان جامعه) را دنبال کنند (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۰۱).

به نظر مرتن وقتی بین اهداف فرهنگی (مانند موفقیت، ثروت) و وسایل دستیابی به این اهداف تناسب وجود نداشته باشد، در آن صورت افرادی که در یک ساختار اجتماعی تحت فشار قرار گرفته‌اند، بیشتر از دیگران رفتار انحرافی خواهند داشت همچنین مرتن می‌گوید این جامعه است که از طریق شکاف و نارسائی بین اهداف مقبول خود و روش‌های مجاز رسیدن به آن اهداف، فشار عظیمی به مردم تحمیل می‌کند و آنها را به جای همنوایی، به کجروی وامی‌دارد. به نظر مرتن افراد در فرایند اجتماعی شدن و به عنوان نتیجه آن می‌آموزند که چگونه اهداف مهم را بشناسند و در همان حال، وسایلی را که از نظر فرهنگی پذیرفته شده و مورد تأیید است برای رسیدن به آن اهداف برگزینند هنگامی که امکان دستیابی به آن اهداف وجود نداشته باشد افراد به دنبال جانشینی می‌گردند. رفتار جانشین ممکن است نتیجه‌اش رفتار انحرافی باشد (حجازی و صالحی، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

هیرشی به عنوان پایه گذار نظریه نظارت اجتماعی بر این اعتقاد است که کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد وی معتقد است که چهار عنصر اصلی

موجب تحکیم پیوند فرد و جامعه می شوند: ۱- وابستگی ۲- تعهد ۳- درگیری ۴- اعتقاد (بخارایی، ۱۳۸۶: ۴۹۹).

شافنر^۱ (۱۹۹۸) در «نظریه وابستگی اجتماعی» بیان می کند که انحراف در نوجوانان زمانی اتفاق می دهد که وابستگی های روحی، عاطفی و روانشناختی نوجوان با جامعه ضعیف شده یا قطع شده باشد. اُنیل نیز عامل تعهد فیما بین را به عنوان پل ارتباطی که بایستی در خانواده وجود داشته باشد، مهم می شمارد که در صورت شکل گیری پدیده فرار از منزل، تعهد اجتماعی در آن خانواده شکسته می شود (جوادی یگانه، ۱۳۸۴: ۲۹-۳۰).

ادوین ساترلند طبق نظریه پیوند افتراقی درباره چگونگی انتقال فرهنگی کجروی اظهار می - دارد که کجرفتاری از طریق یک جریان ارتباطات اجتماعی حاصل می شود در واقع او اصطلاح «یار بد» را زنده می کند. فرضیه اصلی ساترلند این است که رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می شود. به نظر او رفتار انحرافی نه روانشناختی است نه ارثی، بلکه همانگونه که مردم در مصاحبت و معاشرت با افراد سازگار در طول یک جریان جامعه پذیری که بر پایه مقبولیت هنجارها قرار دارد، به سازش و انطباق با ارزش های اجتماعی می پردازند، اگر در جریان جامعه پذیری تخطی از هنجارها را بیاموزند به سوی کجرفتاری کشانده می شوند (همان، ۳۴-۳۵) براساس نظریه ساترلند رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار، یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران، آموخته می شود به عبارت دیگر، براساس این نظریه رفتار جنائی فرد ارثی نیست بلکه از طریق تماس با اشخاص دیگر در اثر فرایند ارتباط، یاد گرفته می شود.

بر اساس نظریه فردیت کرسپی^۲ و ساباتلی^۳ فرار از خانه را پاسخی به رفتار محدود کننده و خود مختاری والدین می دانند و معتقدند نوع خانواده و فرایند رشد، تلاش نوجوان را برای رسیدن به فردیت و استقلال از طریق فرار از خانواده را تبیین می کند و نیز علت فرار از خانه نشان دهنده ناتوانی خانواده در برخورد مؤثر با فرایند جدایی و فردیت نوجوان می باشد (محمدخانی، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

1. Schaffner
2. Crespi
3. Sabatelli

فرضیه‌های تحقیق

بین سطح تحصیلات دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.
بین تجربیات آزار و اذیت دوران کودکی در دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

بین نحوه برخورد با والدین در دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.
بین توان تحمل مشکلات در دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.
بین میزان ارتباط با جنس مخالف در دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.
بین وضعیت اقتصادی خانواده دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.
بین اعتیاد اعضای خانواده دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

روش

نوع پژوهش

مطالعه حاضر از نوع پژوهش‌های علی - مقایسه‌ای است که جهت بررسی علل اجتماعی فرار دختران از خانه طراحی شده است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دختران فراری و عادی متولدین سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۷۵ بوده که برای انجام مقایسه از نظر سنی با یکدیگر هم‌تاسازی شده‌اند. نمونه آماری تحقیق شامل ۳۳ نفر از دختران فراری به عنوان گروه آزمون (دختران فراری که پرونده آنها در اداره بهزیستی شهرستان اردبیل وجود داشت) و ۳۳ نفر دختران عادی به عنوان گروه کنترل با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس از خوشه‌های مختلف شهرستان اردبیل انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

برای جمع‌آوری اطلاعات، ابزار پژوهش پرسشنامه بود که در دو نوع و در قالب سوالاتی در سطوح سنجش اسمی، رتبه‌ای و فاصله‌ای برای دو گروه دختران فراری و عادی تهیه شده

بود. پرسشنامه مرتبط با گروه آزمون یا دختران فراری به دلیل نبود خود نمونه‌ها با استناد به پرونده‌های آنها اطلاعات پرسشنامه تکمیل شد ولی پرسشنامه‌های گروه کنترل به شکل مصاحبه ای و با مراجعه به افراد نمونه تکمیل شده است.

بحث و نتیجه گیری

براساس موقعیت سنجی و شرایطی که دختران در رده‌های مختلف سنی و با هر دلیل و منطبق از خانه فرار می کنند نه تنها خود، بلکه محیط پیرامون یعنی خانواده و جامعه را تا شعاعی وسیع به اشکال مختلف در معرض آسیب‌ها و خطرات بسیار جدی قرار می دهند. فرار، آغاز و مقدمه ای برای بی خانمانی است و همین امر، زمینه ارتکاب بسیاری از جرائم می باشد. دختران فراری برای امرار معاش به سرقت، تکدی گری، توزیع موادمخدر، مشروبات الکلی و کالاهای غیرمجاز، روسپیگری، عضویت در باندهای مخوف اغفال و فحشاء اقدام می کنند. شکارچیان با اغفال این دختران که اغلب شهرستانی، ساده و بی آرایش هستند و از اوضاع و احوال شهرهای بزرگ خبر ندارند، تمام اموالشان را به سرقت می برند و پس از تجاوز به عنف، یا آنها را رها می کنند و یا پس از شکنجه و آزار به دلیل ناشناخته بودن و غربت می کشند. برخی از باندهای فحشاء نیز اقدام به انتقال دختران فراری به کشورهای دیگر، تجارت سکس و فروش اجزای بدن آنها می کنند. همچنین فرار دختران می تواند بزرگترین لطمه و ضربه برای حیثیت و شرافت خانوادگی فرد باشد. این عمل اولاً نشانه ای از ناکارآمدی خانواده در تربیت فرزند، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان و اختلافات خانوادگی است و ثانیاً از آنجا که فرجام فرار دختران در اکثر موارد گرفتار شدن در دایره باندهای فساد، فحشاء و ارتکاب جرایم اخلاقی است، لذا فرار در مفهومی دیگر، لکه ننگی برای خانواده محسوب می شود.

بررسی فرضیه‌های پژوهش و نتایج نمودارها نشان می دهد از نظر سطح تحصیلات بین دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد و سطح تحصیلات در بوجود آمدن پدیده دختران فراری تأثیر دارد همچنین میزان تحمل دختران فراری در مقایسه با دختران عادی بسیار کم است و مورد آزار و اذیت قرار گرفتن (جسمی و جنسی) در دوران کودکی تأثیر مستقیم بر فرار دختران از خانه دارد. در نوع همبازی دوران کودکی نیز دختران فراری و عادی تفاوت

معناداری با همدیگر دارند همبازی دختران فراری کودکان کمرو، خجالتی بوده است ولی همبازی دوران کودکی دختران عادی بچه‌های شلوغ و جسور بوده است.

نتیجه تحقیق در مورد مقایسه توجه والدین به هر دو گروه نشان می‌دهد والدین دختران عادی بیشتر اوقات به فرزند خود توجه داشته‌اند و مورد محبت قرار می‌دادند ولی والدین دختران فراری اغلب مواقع نسبت به فرزند خود بی‌توجه بوده‌اند در نتیجه تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد و عدم توجه والدین در فرار دختران مؤثر می‌باشد همچنین بین دختران فراری و عادی در رابطه با والدینشان تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده می‌شود ارتباط دختران عادی با والدین خود بهتر از دختران فراری می‌باشد.

با توجه به فرضیه پژوهش بین میزان تحصیلات و درآمد پدران دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد که از عواملی است که تأثیر مستقیم و بی‌واسطه در فرار دختران دارد در نتیجه مشکلات مالی، وضعیت اقتصادی خانواده در فرار دختران از خانه تأثیر دارد. اما بین میزان درآمد مادران دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود ندارد که در فرار از خانه بی‌تأثیر می‌باشد درآمد خود دختران نیز تأثیری در فرار از خانه ندارد همچنین فوت پدر هم در فرار دختران بی‌اثر می‌باشد. در تعداد اعضای خانواده بین خانواده دختران فراری و عادی و در چندمین فرزند خانواده بودن تفاوت معناداری بین دو گروه وجود ندارد، بنابراین در فرار دختران از خانه بی‌تأثیر هستند.

اعتیاد اعضای خانواده نشان می‌دهد در اعتیاد اعضای خانواده بین دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد بنابراین معتاد بودن یکی از اعضای خانواده در فرار دختران از خانه تأثیر دارد و فرضیه تایید می‌شود، ولی داشتن سابقه محکومیت در بین اعضای خانواده تأثیری در فرار دختران از خانه ندارد. همچنین در مورد سابقه اقدام به خودکشی، یافته‌ها نشان می‌دهد بین دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد دختران فراری بدلیل عدم مقابله صحیح با مشکلات اقدام به خودکشی می‌کنند که بیشتر از طریق مصرف دارو و زدن رگ اقدام نموده بودند که در فرار دختران تأثیر گذار است و ارتباط با جنس مخالف در فرار دختران از خانه تأثیر دارد و نقش دوستان در فرار مثبت است، بین دختران فراری و عادی در تأثیر دوستان تفاوت معناداری وجود دارد.

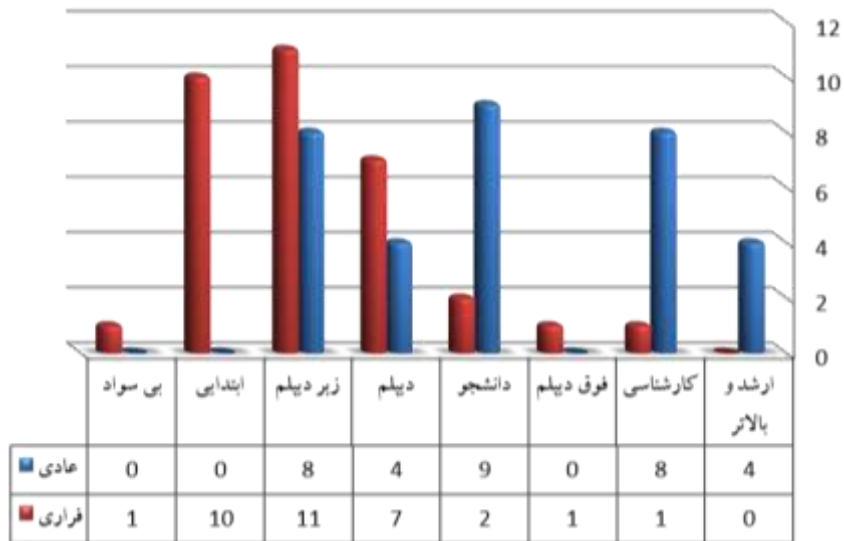
نتیجه تحقیق نشان می‌دهد دونفر از ۳۳ نفر دختر عادی و ۱۰ نفر از دختران فراری مجرد آسیب دیده می‌باشند، دو نفر از دختران فراری و یک نفر از دختران عادی توسط نزدیکان خود آسیب دیده بودند و محل تولد هر دو گروه نشان می‌دهد بیشترین تعداد از مرکز استان (شهر اردبیل) است. همچنین محل سکونت هر دو گروه نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مربوط به داخل شهر است وضعیت تأهل دختران فراری و عادی نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مربوط به دختران مجرد است و ۲۴ درصد دختران فراری و ۳ درصد دختران عادی مطلقه و همچنین ۳ درصد دختران فراری و ۱۵ درصد دختران عادی متأهل هستند.

نتیجه تحقیق نشان می‌دهد بیشترین تعداد دختران فراری که از طریق نیروی انتظامی و دادگستری دستگیر و به بهزیستی معرفی شده‌اند ۲۷ درصد به پارک‌ها و ۱۲ درصد به خانه دوستان و ۶ درصد به خانه اقوام و تنها ۳ درصد به خوابگاه دانشجویی پناه برده‌اند. بیشترین فراوانی دختران فراری کمتر از ۲۰ سال، ۱۶ نفر است که ۴۹ درصد از دختران فراری را تشکیل می‌دهد و کمتر از ۱۵ سال، ۲۴ درصد است و تعداد دخترانی که بعد از فرار از خانه مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند ۲۷ درصد است؛ یعنی ۸ نفر از ۳۳ نفر نوع آزار و اذیت دختران فراری، آزار و اذیت جنسی است ۲۷ درصد دختران فراری سابقه ارتکاب به جرم دارند و به جرم رابطه نامشروع زندانی بوده‌اند و سابقه چندین بار زندانی شدن را بدلیل رابطه نامشروع داشته‌اند و ۷۳ درصد هیچ نوع جرمی را مرتکب نشده‌اند. ۴۱ درصد دختران فراری برای اولین بار و ۴۷ درصد برای دومین بار از خانه فرار کرده‌اند و بیشترین مدت فرار مربوط به کمتر از یک ماه است.

علت اصلی فرار دختران از خانه با توجه به پرونده‌های مورد ارزیابی دختران فراری و نظر مشاوران بهزیستی اختلاف با والدین و آزار و اذیت خانواده است و بعد از آن اذیت پدر است، همچنین علت فرار از نظر دختران فراری و عادی ارائه گردیده است، که بیشتر دختران فراری علت فرار را سخت‌گیری والدین و مشکلات خانوادگی بیان کرده‌اند، ولی از نظر دختران عادی بی‌توجهی والدین از لحاظ عاطفی و نیز بی‌بند و باری فرد و خانواده او و همچنین عدم درک توسط والدین و مشکل اقتصادی است.

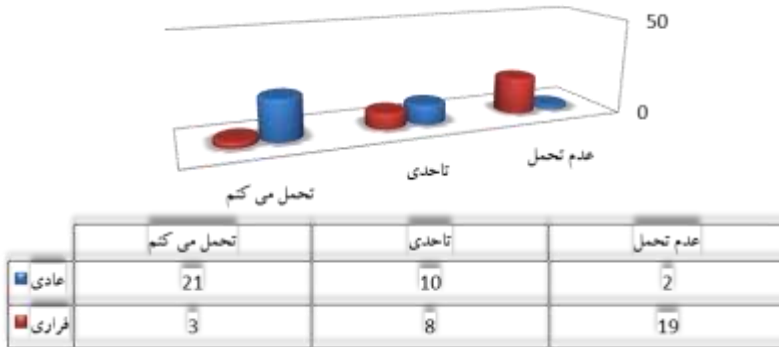
مقایسه سطوح تحصیلی دختران فراری و عادی تفاوت معناداری را بین دو گروه نشان می‌دهد به این مفهوم که، دختران فراری از نظر میزان تحصیلات پایین‌تر از دختران عادی

هستند، بنابراین سطح تحصیلات در بوجود آمدن پدیده دختران فراری تأثیر دارد که این امر براساس نتایج آزمون دقیق فیشر^۱ تفاوت معناداری را بین دو گروه آزمون و کنترل نمایش می دهد (آزمون دقیق فیشر با $P\text{-Value} < 0.05$).



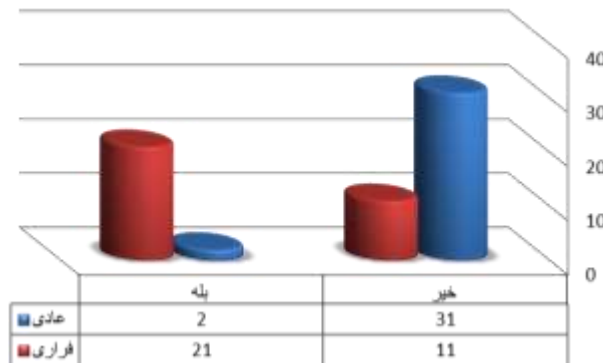
نمودار شماره ۱: میزان تحصیلات

مقایسه انجام شده با استناد به آزمون کای اسکوئر (χ^2) در بین دختران فراری و عادی در خصوص توان تحمل مشکلات نشان از تفاوت معنادار بین دو گروه دارد که مطابق با اطلاعات نمودار ۲، میزان تحمل دختران فراری در مقایسه با دختران عادی بسیار کم است که در فرار دختران از خانه مؤثر بوده است و از این نظر فرضیه تایید می شود.



نمودار شماره ۲: توان تحمل مشکلات

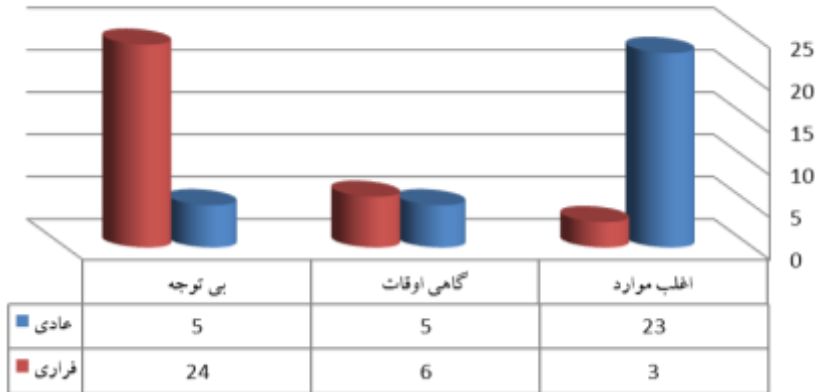
نمودار ۳، آزار و اذیت دوران کودکی را نشان می‌دهد در این نمودار هم تفاوت معناداری بین دختران فراری و عادی مشاهده می‌شود در نتیجه آزار دیدن (جسمی و جنسی) در دوران کودکی تأثیر مستقیم بر فرار دختران از خانه دارد و از اینرو مطابق با اطلاعات نمودار فوق و آزمون کای اسکوئر (χ^2) فرضیه تحقیق تایید می‌شود.



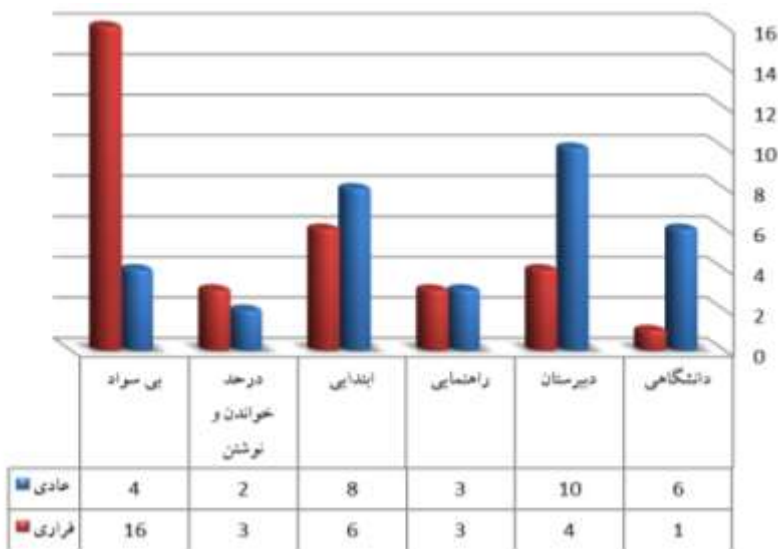
نمودار شماره ۳: آزار دیدن دوران کودکی

نتیجه نمودار ۴، مقایسه توجه والدین به هر دو گروه را نمایش می‌دهد والدین دختران عادی بیشتر اوقات به فرزند خود توجه داشته‌اند و مورد محبت قرار می‌دادند، ولی والدین دختران فراری اغلب مواقع نسبت به فرزند خود بی‌توجه بوده‌اند در نتیجه تفاوت معناداری بین دو

گروه وجود دارد و عدم توجه والدین در فرار دختران مؤثر است و فرضیه تایید می‌شود.

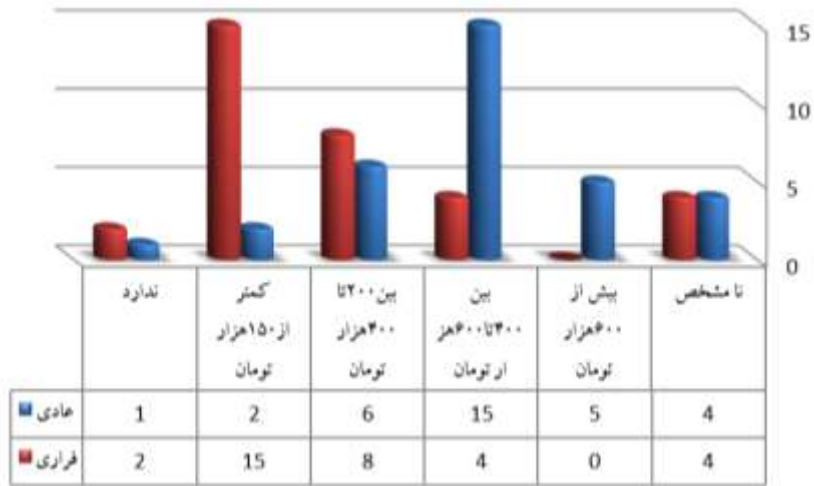


نمودار شماره ۴: میزان توجه والدین



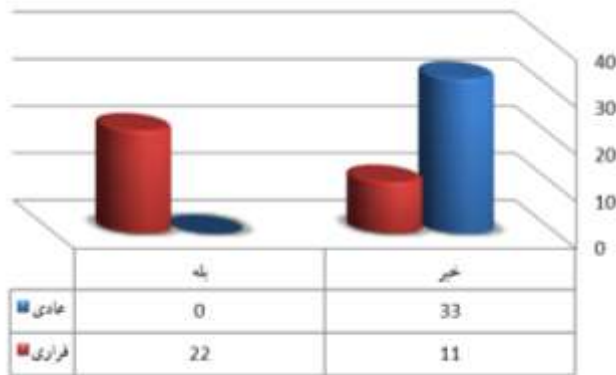
نمودار شماره ۵: میزان تحصیلات پدر

نمودار ۵، میزان تحصیلات پدران دختران فراری و عادی را نشان می‌دهد با توجه به نمودار تفاوت معناداری بین میزان سواد پدران هر دو گروه وجود دارد در نتیجه سطح تحصیلات پدران دختران فراری پایین تر از دختران عادی می‌باشد که در بروز پدیده دختران فرار مؤثر است و فرضیه تایید می‌شود.



نمودار شماره ۶: میزان درآمد پدر

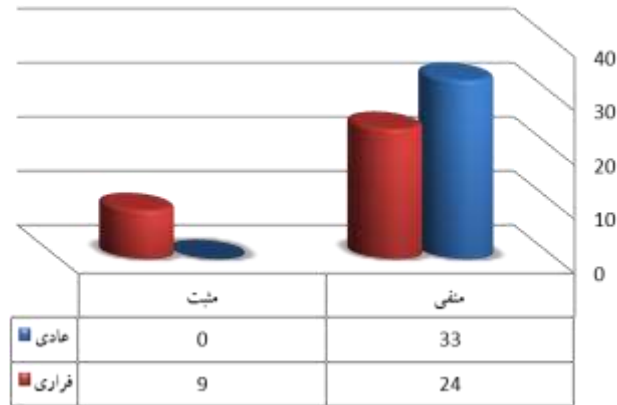
نمودار ۶ میزان درآمد پدر دختران فراری و عادی را نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین درآمد ماهیانه پدر دو گروه وجود دارد حقوق ماهیانه سرپرست خانواده دختران فراری در مقایسه با دختران عادی کمتر است. در نتیجه درآمد پدر خانواده در فرار دختران از خانه تأثیر دارد.



نمودار شماره ۷: مشکلات مالی خانواده

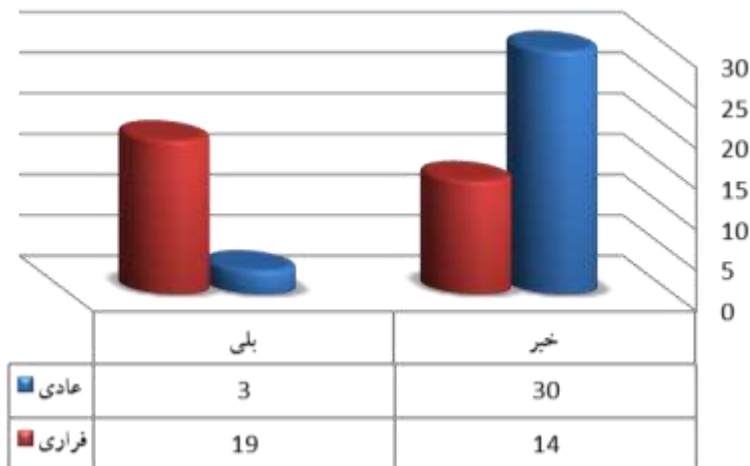
نمودار ۷، مشکلات مالی خانواده دختران فراری و عادی را نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین خانواده دو گروه از نظر مسائل مالی وجود دارد، خانواده دختران فراری از نظر

اقتصادی در سطح پایینی هستند، پس وضعیت اقتصادی خانواده در فرار دختران از خانه تأثیر دارد.



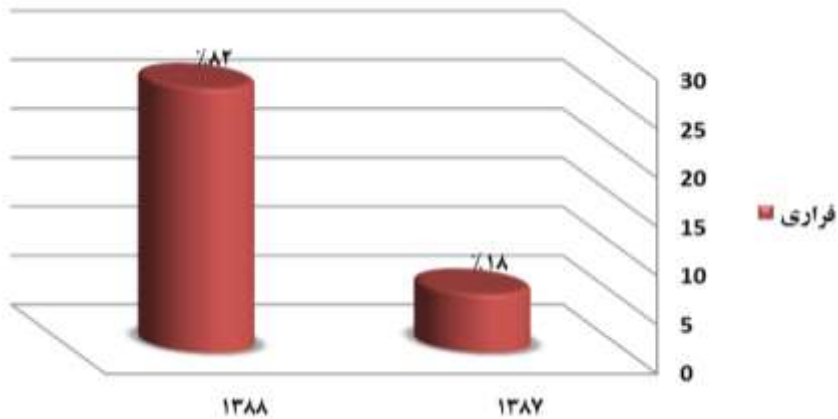
نمودار شماره ۸: اعتیاد اعضای خانواده

نمودار ۸، اعتیاد اعضای خانواده را نمایان می‌کند در اعتیاد اعضای خانواده بین دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین معتاد بودن یکی از اعضای خانواده در فرار دختران از خانه تأثیر دارد.



نمودار شماره ۹: ارتباط با جنس مخالف

نمودار ۹، تجربه ارتباط با جنس مخالف را نشان می‌دهد بین دختران فراری و عادی در ارتباط با جنس مخالف تفاوت معناداری وجود دارد بنابراین ارتباط با جنس مخالف در فرار دختران از خانه تأثیر دارد و فرضیه تحقیق تایید می‌شود.



نمودار شماره ۱۰: تعداد دختران فراری در دو سال گذشته

تعداد دختران فراری	فراوانی دختران فراری	درصد فراوانی دختران فراری
۱۳۸۷	۶	٪۱۸
۱۳۸۸	۲۷	٪۲۲
جمع	۳۳	۱۰۰

باتوجه به نمودار ۱۰، تعداد دختران فراری نسبت به سال ۸۷ در سال ۸۸ چهار و نیم برابر شده است.

منابع

- ۱- بخارایی، احمد (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*، انتشارات پژوهش‌های جامعه.
- ۲- جوادی یگانه، محمدرضا و اکبر فروع‌الدین (۱۳۸۴)، *مسأله دختران فراری*، نشر طرح آینده.

- ۳- حجازی، الهه و کیوان صالحی(۱۳۸۵)، عوامل موثر در بروز انحرافات اجتماعی(از دیدگاه دانشجویان کمیته امداد امام خمینی ره)، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال ششم، شماره ۲۲.
- ۴- شاره، حسین و همکاران(۱۳۸۵)، ارتباط مولفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار از منزل در دختران نوجوان، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال پنجم، شماره ۲۱، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- ۵- طهرانی زاده، مریم و دیگران(۱۳۸۴)؛ بررسی مقایسه ای نگرش‌های ناکارآمد در دختران فراری و عادی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال پنجم، شماره ۱۹، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- ۶- فرجاد، محمدحسین(۱۳۸۸)، **آسیب‌شناسی اجتماعی کودکان خیابانی، دختران فراری و زنان روسپی**، نشر علم.
- ۷- محمد خانی، شهرام(۱۳۸۶)، عوامل روانی واجتماعی مؤثر در فرار دختران از خانه، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال ششم، شماره ۲۵.
- ۸- محبی، فاطمه(۱۳۸۱)، **آسیب شناسی اجتماعی زنان: فرار از خانه، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان**، شماره ۱۵، تهران.
- ۹- نادری، حمدالله(۱۳۸۶) **مطالعه آسیب شناختی دختران فراری(مطالعه موردی دختران ساکن در سازمان بهزیستی اردبیل)**، معاونت اجتماعی ناجا، اردبیل.
- 10-Crespi,T.D.&Sabatelli,R.M.(1996). Adolescent Runaways and family strife:A con flict –in duced differentiation framework, **Journal of Adolescence** ,28.
- 11-Heck. C and Walsh, A.(2000). The Effects of Maltreatment and Family Structure on Minor and Serious Delinquency, **International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology**, 44(2), 178-193.
- 12- Yates, G.L and others.(1991).A risk profile comparison of homeless youth involved in prostitution and homeless youth not involved, **Journal of Adolescents Health**,12.
- 13-Siegel,L.J.(2001). **Criminology, theories, patterns and typology**,seven edition.